

تحلیل مقابله‌ای ضرب‌المثل‌های حاوی رنگ‌واژه در فارسی و انگلیسی بر پایه الگوی رده‌شناختی برلین و کی

حامد مولایی کوهبنانی^{۱*}، ابوذر اورکی^۲، افسانه بهرام‌نژاد^۳

۱. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه ولی‌عصر (عج)، رفسنجان، ایران

۲. استادیار مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه ولی‌عصر (عج)، رفسنجان، ایران

۳. کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه ولی‌عصر (عج)، رفسنجان، ایران

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۳

دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱

A Contrastive Study of Color-terms in Persian and English Proverbs Based on Berlin and Kay Theory

Hamed Mowlaei Kuhbanani^{1*}, Abouzar Oraki², Afsaneh Bahramnejad³

1. Assistant Professor of Linguistics, Vali-e-Asr University, Rafsanjan, Iran

2. Assistant Professor of Translation Studies, Vali-e-Asr University, Rafsanjan, Iran

3. M.A Graduate in Linguistics, Vali-e-Asr University, Rafsanjan, Iran

Received: 2023/11/2

Accepted: 2024/01/03

10.30473/il.2024.69618.1619

Abstract

Proverbs are rooted in the culture of any language and as a result, they can be considered as one of the criteria for measuring the main elements of language. The present study also seeks to investigate the usage of color words in Persian and English proverbs based on the theory of Berlin and Kay (1969) so that the results are a criterion for measuring the taxonomic studies in relation to the main color words of these two languages. The theory of Berlin and Kay (1969) states that there is a hierarchy of 11 universal color words as the most obvious Universalist approach to color words. The results of this research showed that despite the existence of slight differences in the hierarchies of the main global color words, the hierarchies of the main Persian color words and the hierarchies of the main English color words with the hierarchies used in the present study, significant similarities can be observed both in their number and order. As a result, it is clear that the color words that have been introduced as the main color words of these two languages based on the theory of Berlin and Kay have been widely used in the culture of these two languages for a long time and have been in a way unknown, and entered the structure of proverbs. The comparative analysis also showed that although out of the total of 11 universal color words, 8 color words are used in Persian proverbs and 10 color words are used in English proverbs, the hierarchy of colors terms in Berlin and Kay (1969) are similar.

Keywords: Proverb, Color term, Contrastive Analysis, Berlin and Kay Theory, Sociolinguistics.

چکیده

ضرب‌المثل‌ها ریشه در فرهنگ هر زبانی داشته و در نتیجه می‌توان آن‌ها را یکی از معیارهای سنجش عناصر اصلی زبان دانست. پژوهش حاضر نیز به دنبال بررسی میزان کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی بر پایه نظریه برلین و کی (۱۹۶۹) است تا نتایج آن معیاری برای سنجش پژوهش‌های رده‌شناختی در رابطه با رنگ‌واژه‌های اصلی این دو زبان باشد. نظریه برلین و کی (۱۹۶۹) به‌عنوان بارزترین رویکرد همگانی‌گرای رنگ‌واژه‌ها بیان می‌کند که سلسله‌مراتبی از ۱۱ رنگ‌واژه جهانی وجود دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که علی‌رغم وجود تفاوت‌های جزئی در سلسله‌مراتب رنگ‌واژه‌های اصلی جهانی، سلسله‌مراتب رنگ‌واژه‌های اصلی فارسی و سلسله‌مراتب رنگ‌واژه‌های اصلی انگلیسی با سلسله‌مراتب‌هایی که در پژوهش حاضر برای کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی معرفی شد، می‌توان شباهت‌های قابل توجهی را هم در تعداد و هم در ترتیب آن‌ها مشاهده کرد. در نتیجه، مشخص می‌شود که رنگ‌واژه‌هایی که براساس نظریه برلین و کی به‌عنوان رنگ‌واژه‌های اصلی این دو زبان معرفی شده‌اند، از دیرباز در فرهنگ این دو زبان نیز پرکاربرد و به نوعی بی‌نشان بوده‌اند و وارد ساختار ضرب‌المثل‌ها شده‌اند. تحلیل مقابله‌ای نیز نشان داد که اگرچه از مجموع ۱۱ رنگ‌واژه جهانی، ۸ رنگ‌واژه در ضرب‌المثل‌های فارسی و ۱۰ رنگ‌واژه در ضرب‌المثل‌های انگلیسی به کار رفته‌اند، اما سلسله‌مراتب رنگ‌واژه‌های موجود در برلین و کی (۱۹۶۹) شباهت دارد.

کلیدواژه‌ها: ضرب‌المثل، رنگ‌واژه، تحلیل مقابله‌ای، نظریه برلین و کی، زبان‌شناسی اجتماعی.

*Corresponding Author: Hamed Mowlaei Kuhbanani

Email: h.molaei@vru.ac.ir

* نویسنده مسئول: حامد مولایی کوهبنانی

مقدمه

براساس نظر میدر^۱ (۲۰۰۴، ۲۸) فن گردآوری ضرب‌المثل‌ها «پارمیوگرافی»^۲ نام دارد و مطالعه علمی ضرب‌المثل‌ها را نیز «پارمیولوژی»^۳ می‌نامند. اکثر پژوهش‌هایی که در حوزه ضرب‌المثل‌ها در دسترس هستند، محدود به جمع‌آوری و دسته‌بندی آن‌ها براساس محتوا، واژگان و ... می‌شوند. اگرچه همین پژوهش‌ها نیز آثار ارزشمندی در جهت حفظ بخش عمده‌ای از فرهنگ هر جامعه هستند، مطالعه و بررسی علمی آن‌ها براساس نظریه‌های زبانی مختلف می‌تواند جنبه‌های دیگری از ضرب‌المثل‌ها را روشن کند. به نظر میدر (همان) پارمیولوژی تنها از یک جنبه به بررسی ضرب‌المثل‌ها نمی‌پردازد بلکه ابعاد انسان‌شناختی، زیبایی‌شناختی، تاریخی، ادبی، ریشه‌شناختی، روان‌شناختی، مذهبی، جامعه‌شناختی، فرهنگی و ارتباط بین‌زبانی ضرب‌المثل‌ها را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. آخرین جنبه مورد اشاره میدر در نقل قول فوق؛ یعنی بررسی بین‌زبانی ضرب‌المثل‌ها، شواهد جالبی را در اختیار زبان‌شناسان، مترجمان و علاقه‌مندان به آموزش زبان دوم قرار می‌دهد. در پژوهش حاضر نیز قصد داریم بر همین اساس ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی را تحلیل کنیم. طبیعی است که برای نیل به چنین هدفی، تعیین حوزه محدودی از ضرب‌المثل‌های دو زبان ضروری است. بنابراین، در این پژوهش به بررسی ضرب‌المثل‌هایی که در آن‌ها از رنگ‌واژه‌ها استفاده شده است، خواهیم پرداخت. کانکلین^۴ (۱۹۹۵، ۳۴۰) بیان می‌کند که تمام افراد دنیا، فارغ از زبان مادری، بین رنگ‌ها تمایز قائل می‌شوند اما روش زبان‌ها برای دسته‌بندی میلیون‌ها رنگ موجود تفاوت دارد.

پژوهش حاضر نیز به دنبال بررسی میزان کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی بر پایه نظریه رده‌شناختی برلین و کی (۱۹۶۹) است. برلین و کی با بررسی رنگ‌واژه‌های ۱۰۰ زبان از سراسر دنیا، ۴ ویژگی برای رنگ‌واژه‌های اصلی و بی‌نشان دنیا ارائه کردند. سپس برمبنای همین ۴ ویژگی سلسله‌مراتبی متشکل از ۱۱ رنگ‌واژه اصلی و بی‌نشان دنیا را ارائه کردند. به عبارت دیگر این نظریه، بر مبنای نگاهی همگانی‌گرا^۵ ادعا می‌کند که زبان‌های دنیا در حوزه رنگ‌واژه‌ها از الگوهای یکسان پیروی

می‌کنند. پس از آن بود که این نظریه، مبنای بررسی میزان و بسامد رنگ‌واژه‌های اصلی در زبان‌های مختلف دنیا قرار گرفت. به عنوان مثال، میلوناس و مک‌دونالد^۶ (۲۰۱۵) این الگو را مبنای بررسی رنگ‌واژه‌های اصلی انگلیسی و عزیزاده صحرایی و راسخ‌مهند (۱۳۹۵) آن را مبنای بررسی رنگ‌واژه‌های اصلی فارسی قرار دادند. نتایج پژوهش میلوناس و مک‌دونالد (۲۰۱۵) برمبنای ویژگی‌های جهانی رنگ‌واژه‌ها نشان داد که انگلیسی دارای ۱۳ رنگ‌واژه اصلی است؛ پژوهش عزیزاده صحرایی و راسخ‌مهند (۱۳۹۵) نیز نشان داد که از سلسله‌مراتب ۱۱ رنگ‌واژه اصلی دنیا، فارسی ۶ رنگ‌واژه اصلی دارد.

با توجه به چهارچوب نظری فوق، پژوهش حاضر یک هدف اصلی قائل به این فرضیه دارد که رنگ‌واژه‌های اصلی و بی‌نشان دنیا بیش از سایر رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌ها به کار برده می‌شوند؛ چراکه ضرب‌المثل بخشی از فرهنگ عامه هر جامعه است و قاعدتاً هر واحد زبانی بی‌نشان بیش از واحد نشان‌دار در آن به کار می‌رود. به عبارت دیگر، فرضیه اصلی پژوهش حاضر این است که بسامد وقوع رنگ‌واژه‌های اصلی جهانی برلین و کی (۱۹۶۹) در ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی بیش از سایر رنگ‌واژه‌هاست. برای نیل به هدف اصلی پژوهش حاضر، دو هدف و فرضیه فرعی نیز در نظر گرفته شده است.

هدف فرعی نخست پژوهش حاضر این است که ادعای عزیزاده صحرایی و راسخ‌مهند (۱۳۹۵) در رابطه با معرفی ۶ رنگ‌واژه اصلی فارسی را در ارتباط با میزان کاربرد آن‌ها در ضرب‌المثل‌های این زبان بسنجد. به این ترتیب فرضیه دیگر این پژوهش این است که بسامد کاربرد ۶ رنگ‌واژه اصلی و بی‌نشان فارسی در ضرب‌المثل‌های این زبان بیش از سایر رنگ‌واژه‌هاست. هدف فرعی دوم، یا به عبارتی هدف سوم پژوهش حاضر نیز بررسی ادعای میلوناس و مک‌دونالد (۲۰۱۵) مبنی بر وجود ۱۳ رنگ‌واژه اصلی در زبان انگلیسی در ارتباط با میزان کاربرد آن‌ها در ضرب‌المثل‌های این زبان است. بنابراین، فرضیه دیگر این پژوهش بیان می‌کند که بسامد کاربرد ۱۳ رنگ‌واژه اصلی و بی‌نشان انگلیسی در ضرب‌المثل‌های این زبان بیش از سایر رنگ‌واژه‌هاست.

پیشینه پژوهش

آثار زیادی در زمینه بررسی ضرب‌المثل‌های فارسی با

1. Mider
2. Paremiography
3. Paremiology
4. Conklin
5. Universalism

6. Mylonas & MacDonald

برده است. زارعی (۱۴۰۱) نیز در پژوهشی به معرفی هزار و ششصد رنگ‌واژه فارسی پرداخته و آن‌ها را از جنبه ساختاری دسته‌بندی کرده است.

همان‌گونه که بررسی آثار فوق نشان می‌دهد و تا آنجا که نگارندگان مقاله حاضر بررسی کرده‌اند، تاکنون پژوهشی که به بررسی ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی از جنبه میزان کاربرد رنگ‌واژه‌ها در آن‌ها پرداخته باشد صورت نگرفته است.

چهار چوب نظری

به اعتقاد دیویس و کربت^۱ (۱۹۹۷: ۴۹۵) مطالعات زبان‌شناختی رنگ‌واژه‌ها در قالب دو دیدگاه دسته‌بندی می‌شوند. دیدگاه نخست، رویکرد نسبیت‌گرا^۲، اعتقاد داشت که رنگ‌واژه‌ها مقولاتی فرهنگی هستند که همچون بسیاری از مقولات دیگر به فرهنگ مناطق مختلف بستگی دارند. در مقابل، دیدگاه همگانی‌گرا بیان می‌کند که رنگ‌واژه‌ها در زبان‌های مختلف از الگوی یکسان پیروی می‌کنند. نظریه برلین و کی (۱۹۶۹) یکی از معروف‌ترین نظریات رده‌شناختی در قالب دیدگاه دوم است که علی‌رغم سابقه طولانی همچنان نظریه‌ای قابل اعتنا محسوب می‌شود (موراسیک^۳ ۲۰۱۳، ۵۷). براساس این نظریه، زبان‌های مختلف در حوزه رنگ‌واژه دارای مشترکاتی هستند و همه زبان‌ها از سیر تکاملی یکسانی در این زمینه پیروی می‌کنند. نظریه برلین و کی (۱۹۶۹) برپایه پژوهش «وودورث^۴» (۱۹۱۰) شکل گرفته است. وودورث عقیده دارد که در مسیر ظهور رنگ‌های هر زبانی، نوعی توالی تدریجی وجود دارد؛ به این ترتیب که معمولاً ظهور رنگ‌ها از قرمز آغاز و به تدریج به سایر رنگ‌ها می‌رسد. وی در این زمینه بیان می‌کند که هر زمان، زبانی احساس نیاز کند، می‌تواند رنگ‌واژه‌های مختلفی برای اشاره به یک رنگ خاص داشته باشد. به عبارت دیگر، هر زبانی قوانین خودش را برای دسته‌بندی رنگ‌واژه‌ها دارد. علاوه بر این، وی عقیده داشت که ظهور رنگ‌واژه‌ها در زبان بستگی به اهمیت کاربرد و بسامد استفاده از آن رنگ دارد. برلین و کی (۱۹۶۹) با بررسی چندین زبان، سعی کردند که جهانی‌هایی در رابطه با ترتیب ابداع و کاربرد رنگ‌واژه‌ها در زبان‌های دنیا ارائه دهند. به باور آن‌ها، ظهور رنگ‌واژه‌ها تابع

رویکردهای مختلف زبان‌شناختی و ادبی در دسترس است. با توجه به اینکه پژوهش حاضر قصد دارد کاربرد رنگ‌واژه در ضرب‌المثل را از جنبه بین‌زبانی فارسی و انگلیسی بررسی کند، ابتدا برخی از پژوهش‌هایی معرفی می‌شوند که ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی را از بعد زبان‌شناختی بررسی کرده‌اند و سپس پژوهش‌های مرتبط با تحلیل زبانی رنگ‌واژه‌های فارسی ارائه می‌شود.

محقق (۱۳۸۶) به بررسی پنجاه ضرب‌المثل مشترک در زبان‌های عربی، فارسی و انگلیسی پرداخته است، قاضی‌زاده و نجفی (۱۳۸۸) هم در پژوهشی به بررسی مقابله‌ای ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی از نظر معنایی و واژگانی پرداخته‌اند. گرجیان و نیسی (۱۳۹۰) تعدادی از ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی را از جنبه‌های لغوی، سبک ادبی، فرهنگی و ساختار مورد بررسی قرار داده‌اند، زاهدی و ذهاب‌ناظوری (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی به بررسی میزان کاربرد اندام‌واژه سر در ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی از جنبه زبان‌شناسی شناختی پرداخته‌اند. زندی و همکاران (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی را از جنبه میزان و نوع کاربرد تابو و حسن تعبیر مورد بررسی قرار داده‌اند. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی استعاره‌های مفهومی عشق در ضرب‌المثل‌های فارسی، انگلیسی و ترکی را با هم مقایسه کرده‌اند.

در رابطه با پژوهش‌هایی که رنگ‌واژه‌های فارسی را از دیدگاه‌های زبان‌شناختی مورد بررسی قرار داده باشند، آثار نسبتاً کمی موجود است. منصور (۱۳۷۵) در یکی از نخستین پژوهش‌های مربوط به این حوزه، به بررسی دسته‌بندی رنگ‌واژه‌های زبان فارسی پرداخته است. افشار (۱۳۷۸) نیز پژوهشی در مورد گونه‌های رنگ در زبان فارسی دارد. استاجی (۱۳۸۶) نیز در پژوهش خود نام رنگ‌های فارسی را از جنبه ساختاری مورد نقد و بررسی قرار داده است. جراحی و همکاران (۱۳۹۰) رنگ‌واژه‌های زبان فارسی را در پژوهش خود دسته‌بندی کرده‌اند. صراحی (۱۳۹۳) پژوهشی در رابطه با تحلیل رده‌شناختی استعاره‌های مربوط به رنگ در زبان فارسی انجام داده است. صامت‌جوکنندان (۱۳۹۳) نیز پژوهشی در رابطه با استعاره‌های مفهومی عواطف در حوزه رنگ در زبان فارسی از منظر زبان‌شناسی شناختی انجام داده است. ژاله‌خاکی (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود از میزان بسامد رنگ‌واژه‌های فارسی به منظور مقایسه هت پیکر نظامی گنجوی و بخش اساطیری شاهنامه بهره

1. Davies & Corbett
2. Relativism
3. Moravcsik
4. Woodworth

به‌عنوان مبنای مقایسه میزان کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌ها با ترتیب رنگ‌واژه‌های اصلی فارسی انتخاب شده است. آن‌ها با اجرای دو آزمون (نامیدن و فهرست‌سازی) روی آزمودنی‌هایی از گروه‌های سنی مختلف به این نتیجه رسیدند که فارسی براساس نظریه برلین و کی (۱۹۶۹)، ۶ رنگ‌واژه اصلی دارد که به ترتیب عبارتند از:

آبی < قرمز < سبز < سفید < سیاه < زرد

پژوهش میلوناس و مک‌دونالد (۲۰۱۵) نیز به‌عنوان مبنای تعیین رنگ‌واژه‌های اصلی انگلیسی جهت بررسی میزان کاربرد آن‌ها در ضرب‌المثل‌های این زبان قرار گرفته است. آن‌ها نیز با بررسی ۶۰۰ رنگ‌واژه از طریق پرسش‌نامه‌های گوناگون روی ۳۳۰ گویشور در سنین مختلف بیان می‌کنند که رنگ‌واژه‌های اصلی انگلیسی شباهت بسیاری به رنگ‌واژه‌های جهانی‌ای دارند که برلین و کی (۱۹۶۹) در نظریه خود معرفی کرده‌اند؛ تنها تفاوت نتیجه‌گیری آن‌ها در مورد رنگ‌واژه‌های اصلی انگلیسی با نظریه جهانی برلین و کی (۱۹۶۹) در این است که آن‌ها دو رنگ‌واژه یاسی^۶ و فیروزه‌ای^۷ را به‌عنوان دو رنگ‌واژه اصلی دیگر در زبان انگلیسی به انتهای سلسله‌مراتب جهانی برلین و کی (۱۹۶۹) اضافه می‌کنند. بنابراین، از نظر آن‌ها رنگ‌واژه‌های اصلی انگلیسی عبارتند از:

سیاه / سفید < قرمز < سبز / زرد < آبی < قهوه‌ای <

نارنجی / صورتی / بنفش / خاکستری / فیروزه‌ای / یاسی

پیکره و روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است که داده‌های آن با روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. پیکره پژوهش شامل ۱۴۷ ضرب‌المثل فارسی و ۱۳۵ ضرب‌المثل انگلیسی است. این داده‌ها با بررسی منابع معتبر در زمینه ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی شامل کتاب‌های «فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی (ذوالفقاری، ۱۳۹۲)» و «فرهنگ جامع ضرب‌المثل‌های فارسی (کشاورز باقری، ۱۳۹۶)» برای داده‌های فارسی و کتاب «اصطلاحات از طریق رنگ‌ها (پورحسینی، ۱۳۹۳)» برای داده‌های انگلیسی استخراج شده‌اند. علاوه بر این اثر «هزار و یک مثل فارسی-انگلیسی (حبیبیان و آریان‌پور، ۱۳۷۸)» نیز برای تکمیل داده‌های مقابله‌ای دو زبان بهره گرفته شد. در مرحله

یک سیر تکاملی مشخص است که هر زبان در هر برهه زمانی در یکی از طبقات قرار دارد و تلاش می‌کند تا با انتقال به طبقه بعد به حد نهایت تکامل رنگ‌واژه‌ای دست یابد. برلین و کی (۱۹۶۹: ۵) فرضیه‌های زیر را بیان کردند:

- رنگ‌واژه‌های طبقه‌های اول و دوم (سیاه، سفید و قرمز) در همه زبان‌های دنیا وجود دارند.

- ۱۱ رنگ‌واژه اصلی عبارتند از: سفید، سیاه، قرمز، سبز، زرد، آبی، قهوه‌ای، بنفش، صورتی، نارنجی و خاکستری.

- هر زبان در هر برهه تاریخی فقط و فقط در یکی از این هفت طبقه قرار می‌گیرد؛ قرار گرفتن در هر طبقه به این معناست که آن زبان مراحل تکاملی قبل از آن را طی کرده است.

- توالی تکاملی زبان‌ها در رنگ‌واژه‌ها طبق ترتیب زیر است:

سیاه / سفید < قرمز < سبز / زرد < آبی < قهوه‌ای < نارنجی / صورتی / بنفش / خاکستری

پژوهش برلین و کی (۱۹۶۹) باعث شد تا بسیاری از زبان‌شناسان براساس این الگوی جهانی اقدام به بررسی رنگ‌واژه‌های اصلی زبان‌های مختلف کنند. پژوهش‌هایی همچون مطالعه دیویس و کربت (۱۹۹۴) در رابطه با رنگ‌واژه‌های اصلی زبان روسی، پژوهش اوژگن و دیویس (۱۹۹۸) در مورد رنگ‌واژه‌های اصلی ترکی، مطالعه پیچ و دیویس^۲ (۱۹۹۹) برای رنگ‌واژه‌های اصلی اسپانیولی، پژوهش آندرولوکی^۳ و همکاران (۲۰۰۶) برای رنگ‌واژه‌های اصلی یونانی، مطالعه اوسکولا^۴ (۲۰۰۸) برای رنگ‌واژه‌های اصلی اسلونیایی، پژوهش الرشید^۵ و همکاران (۲۰۱۳) برای رنگ‌واژه‌های اصلی عربی، پژوهش میلوناس و مک‌دونالد (۲۰۱۵) در رابطه با رنگ‌واژه‌های اصلی انگلیسی و پژوهش علیزاده صحرای و راسخ‌مهند (۱۳۹۵) در مورد رنگ‌واژه‌های اصلی فارسی از آن جمله‌اند.

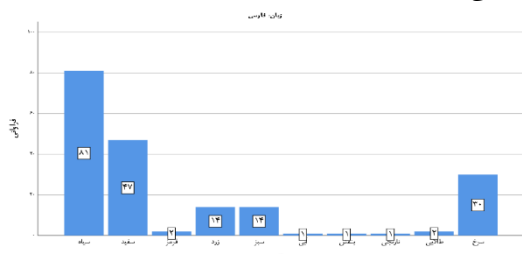
با توجه به اینکه در پژوهش حاضر به دنبال مقایسه میزان کاربرد رنگ‌واژه‌های دو زبان فارسی و انگلیسی خواهیم بود؛ سعی شده تا از پژوهش‌هایی که در این دو زبان برپایه الگوی جهانی برلین و کی (۱۹۶۹) انجام پذیرفته‌اند، به‌عنوان بخشی از چهارچوب نظری پژوهش استفاده شود. از این‌رو، پژوهش علیزاده صحرای و راسخ‌مهند (۱۳۹۵)

1. Özgen & Davies
2. Pich & Davies
3. Androulak
4. Uusküla
5. Al-rasheed

6. lilac

7. Turquoise

رنگ‌واژه‌های سفید و سرخ با هم به کار رفته‌اند و در پنج ضرب‌المثل دیگر نیز، رنگ‌واژه‌های سیاه و سرخ با هم به کار رفته‌اند. علاوه بر این، در پنج ضرب‌المثل، رنگ‌واژه‌های سبز و سرخ با هم به کار رفته‌اند و چهار ضرب‌المثل دیگر هم بیش از یک رنگ‌واژه دارند. با لحاظ کردن این مورد که در برخی ضرب‌المثل‌ها بیش از یک رنگ‌واژه وجود دارد، به این نتیجه می‌رسیم که پیکره پژوهش حاضر در بخش فارسی حاوی ۱۹۲ رنگ‌واژه در ضرب‌المثل‌های فارسی است. با توجه به اینکه میزان کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی مدنظر است، آمار مورد استناد در این بخش ۱۹۲ مورد خواهد بود. نکته سوم در رابطه با بسامد وقوع هر کدام از ۱۰ رنگ‌واژه نام برده‌شده در ضرب‌المثل‌های فارسی است. بر اساس نمودار (۱)، در ۸۱ ضرب‌المثل فارسی از رنگ‌واژه سیاه استفاده شده است. ۴۷ ضرب‌المثل فارسی، رنگ‌واژه سفید دارند و در ۳۰ ضرب‌المثل از رنگ‌واژه سرخ استفاده شده است. ۱۴ ضرب‌المثل رنگ‌واژه زرد و ۱۴ ضرب‌المثل دیگر نیز، رنگ‌واژه سبز دارند. علاوه بر این، در آمار مستخرج از پیکره داده‌های فارسی، ۲ ضرب‌المثل با رنگ‌واژه قرمز و ۲ ضرب‌المثل با رنگ‌واژه طلایی مشاهده شده است. نهایتاً سه ضرب‌المثل دیگر هر کدام یکی از رنگ‌واژه‌های آبی، بنفش و نارنجی را دارند.



نمودار ۱. تعداد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی

جدول ۱. درصد فراوانی رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی

زبان		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
فارسی	سیاه	81	42.0	42.0	42.0
	سفید	47	24.4	24.4	66.3
	قرمز	2	1.0	1.0	67.4
	زرد	14	7.3	7.3	74.6
	سبز	14	7.3	7.3	81.9
	آبی	1	.5	.5	82.4
	بنفش	1	.5	.5	82.9
	نارنجی	1	.5	.5	83.4
	طلایی	2	1.0	1.0	84.5
	سرخ	30	15.5	15.5	100.0
	Total	193	100.0	100.0	

نخست و پس از استخراج داده‌ها، با بررسی تعداد رنگ‌واژه‌ها، میزان بسامد آن‌ها از پرکاربردترین تا کم‌کاربردترین در هر کدام از دو زبان تعیین شد. در مرحله دوم، میزان کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی مورد بررسی قرار گرفت. این مرحله با استناد به پژوهش علیزاده صحرایی و راسخ‌مهند (۱۳۹۵) مبنی بر معرفی شش رنگ‌واژه، به‌عنوان رنگ‌واژه‌های اصلی فارسی به بررسی میزان کاربرد رنگ‌واژه‌های اصلی و غیراصلی در ضرب‌المثل‌های فارسی می‌پردازد تا میزان همخوانی نتایج این پژوهش با ادعای صحرایی و راسخ‌مهند را مورد بررسی قرار دهد. مرحله سوم مربوط به بررسی میزان کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های انگلیسی است. به این منظور، در ابتدا میزان کاربرد رنگ‌واژه‌های انگلیسی در ساختار ضرب‌المثل‌های این زبان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. پژوهش میلوناس و مک‌دونالد (۲۰۱۵) به‌عنوان مبنای ۱۳ رنگ‌واژه اصلی انگلیسی در نظر گرفته خواهد شد. در آخرین مرحله این پژوهش، به بررسی مقابله‌ای نتایج حاصله بر مبنای جهانی رنگ‌واژه‌های برلین و کی (۱۹۶۹) خواهیم پرداخت.

بررسی و تحلیل داده‌ها

پس از جمع‌آوری داده‌های این پژوهش، در این بخش در مورد تحلیل داده‌ها صحبت خواهد شد. به این منظور، تحلیل و تبیین داده‌ها در سه زیربخش ارائه خواهد شد.

داده‌های فارسی

در مرحله جمع‌آوری داده‌های فارسی پژوهش حاضر مجموعاً ۱۴۷ ضرب‌المثل و اصطلاح حاوی رنگ‌واژه به دست آمد. لازم به یادآوری است که مجموع داده‌های فوق از بررسی آثار مذکور و همچنین بررسی‌های جانبی دیگر به دست آمده است. ذکر چند نکته در رابطه با این آمار ضروری است. نکته نخست مربوط به بسامد رنگ‌واژه‌های مختلف در این آمار است. براساس بررسی این ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات، مجموعاً ۱۰ رنگ‌واژه منحصر به فرد دیده شد که عبارتند از: سیاه، سفید، سرخ، زرد، سبز، قرمز، طلایی، آبی، بنفش و نارنجی

نکته دوم در رابطه با بسامد وقوع رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی است. بررسی آمار نشان می‌دهد که ۲۸ ضرب‌المثل وجود دارد که در آن‌ها هم رنگ‌واژه سیاه و هم رنگ‌واژه سفید وجود دارد، در پنج ضرب‌المثل،

جدول ۲. مقایسه رنگ‌واژه‌های اصلی با بسامد رنگ‌واژه‌ها در

ضرب‌المثل‌ها

جایگاه	جایگاه	جایگاه	جایگاه	جایگاه	جایگاه	سلسله‌مراتب رنگ‌واژه‌ها:
۶	۵	۴	۳	۲	۱	اصلی فارسی
زرد	سیاه	سفید	سبز	قرمز	آبی	ضرب‌المثل‌های فارسی
آبی بنفش نارنجی	قرمزا / طلایی	سبز / زرد	سرخ	سفید	سیاه	

در انتهای سلسله‌مراتب رنگ‌واژه‌های موجود در ضرب‌المثل‌های فارسی قرار دارد. مشابه چنین استدلالی برای رنگ‌واژه سیاه نیز قابل توجیه است. درحالی‌که یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد رنگ‌واژه سیاه، پرکاربردترین رنگ‌واژه در ضرب‌المثل‌های فارسی محسوب می‌شود، در نتایج علیزاده‌صحرائی و راسخ‌مهند (۱۳۹۵) در جایگاه پنجم از رنگ‌واژه‌های اصلی فارسی قرار دارد. رنگ‌واژه سفید نیز همچون رنگ‌واژه‌های سیاه و آبی نوعی تناقض در یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های آن‌ها را نشان می‌دهد. درحالی‌که براساس یافته‌های این پژوهش، رنگ‌واژه سفید با ۲۴/۴٪ از ضرب‌المثل‌های فارسی در جایگاه دوم قرار دارد، در پژوهش آن‌ها به‌عنوان چهارمین رنگ‌واژه اصلی فارسی معرفی شده است. رنگ‌واژه زرد نیز اگرچه نه به اندازه سه رنگ‌واژه فوق، اما تا حدی با یافته‌های پژوهش علیزاده‌صحرائی و راسخ‌مهند (۱۳۹۵) در تناقض است چراکه در پژوهش آن‌ها، زرد در جایگاه آخرین رنگ‌واژه اصلی فارسی قرار دارد؛ درحالی‌که مطابق پژوهش حاضر، این رنگ‌واژه همانند رنگ‌واژه سبز در ۷/۳٪ از ضرب‌المثل‌های فارسی دیده می‌شود و در جایگاه چهارم رنگ‌واژه‌ها قرار دارد.

رنگ‌واژه قرمز که در پژوهش علیزاده‌صحرائی و راسخ‌مهند (۱۳۹۵) دومین رنگ‌واژه اصلی است، در پژوهش حاضر تنها در ۱٪ از ضرب‌المثل‌های فارسی دیده شده است و در سلسله‌مراتب رنگ‌واژه‌های حاضر در ضرب‌المثل‌ها در جایگاه پایینی قرار دارد. البته ذکر این نکته ضروری است که در ضرب‌المثل‌های فارسی رنگ‌واژه سرخ به‌عنوان یکی از رنگ‌واژه‌های با بسامد نسبتاً بالا (۱۵/۵٪) و در جایگاه سوم محسوب می‌شود. از این‌رو، شاید بتوان یافته‌های پژوهش حاضر در مورد رنگ‌واژه‌های قرمز و سرخ^۱ را تا

جدول آماری (۱) که براساس نمودار ۱ طراحی شده است نیز نشان می‌دهد که ۴۲٪ از ضرب‌المثل‌های حاوی رنگ‌واژه فارسی دارای رنگ‌واژه سیاه هستند، ۲۴/۴٪ از آن‌ها رنگ‌واژه سفید دارند و ۱۵/۵٪ از ضرب‌المثل‌های حاوی رنگ‌واژه، رنگ‌واژه سرخ دارند. علاوه براین، دو رنگ‌واژه زرد و سبز هر کدام ۷/۳٪ از ضرب‌المثل‌های حاوی رنگ‌واژه را تشکیل می‌دهند. رنگ‌واژه‌های طلایی و سرخ هر کدام در ۱٪ از ضرب‌المثل‌های حاوی رنگ‌واژه دیده شدند و در نهایت سه رنگ‌واژه آبی، بنفش و نارنجی نیز هر کدام به میزان ۰/۵٪ از ضرب‌المثل‌های حاوی رنگ‌واژه هستند.

همان‌گونه که اشاره شد هدف نخست بررسی میزان کاربرد رنگ‌واژه‌های اصلی فارسی بر مبنای علیزاده‌صحرائی و راسخ‌مهند (۱۳۹۵) است. براساس نظر آن‌ها سلسله‌مراتب رنگ‌واژه‌های اصلی فارسی عبارت است از:

آبی، قرمز، سبز، سفید، سیاه، زرد

همان‌گونه که اشاره شد فرضیه اصلی پژوهش حاضر ناظر بر این ادعاست میزان کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌ها، به‌عنوان نمادی از فرهنگ عامه در هر زبانی، می‌تواند نقش مهمی در تعیین رنگ‌واژه‌های اصلی داشته باشد. از این‌رو، می‌توان ادعا کرد که ضرب‌المثل‌ها می‌توانند معیار قابل استنادی جهت این بررسی محسوب شوند. همچنین در این بخش به مقایسه نتایج حاصل از بررسی رنگ‌واژه‌های اصلی فارسی و کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های این زبان می‌پردازیم. با توجه به بسامد کاربرد رنگ‌واژه‌ها که در نمودار (۱) ارائه شد، می‌توان سلسله مراتب زیر را در رابطه با رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی ارائه داد:

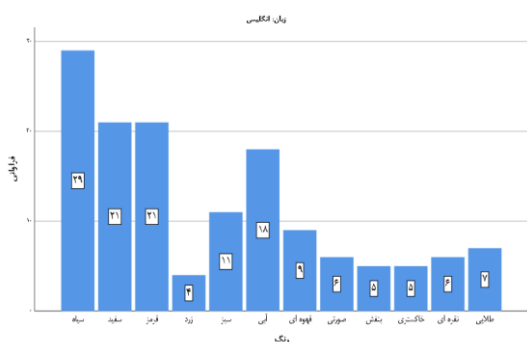
سیاه > سفید > سرخ > سبز / زرد > قرمز / طلایی / آبی / بنفش / نارنجی

جدول ۲، آمار رنگ‌واژه‌های اصلی فارسی براساس نظریه برلین و کی (علیزاده‌صحرائی و راسخ‌مهند، ۱۳۹۵) را در مقایسه با بسامد کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی در پژوهش حاضر، نشان می‌دهد.

بررسی مقابله‌ای یافته‌های پژوهش حاضر با آنچه علیزاده‌صحرائی و راسخ‌مهند (۱۳۹۵) تحت عنوان رنگ‌واژه‌های اصلی زبان فارسی معرفی کرده‌اند نتایج جالبی را در پی دارد. درحالی‌که طبق پژوهش میدانی آن‌ها رنگ‌واژه آبی، اصلی‌ترین رنگ‌واژه فارسی معرفی شده است، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که آبی در کنار بنفش و نارنجی

۱. در زبان فارسی دو رنگ‌واژه قرمز و سرخ هم‌معنا محسوب می‌شوند و در پژوهش حاضر نیز همچون پژوهش علیزاده‌صحرائی و راسخ‌مهند (۱۳۹۵) در آمارهای کلی با هم محاسبه خواهند شد.

نکته دوم در رابطه با بسامد وقوع رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های انگلیسی است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که ۴ ضرب‌المثل وجود دارد که در آن‌ها هم رنگ‌واژه سیاه و هم رنگ‌واژه سفید وجود دارد. علاوه بر این، در دو ضرب‌المثل نیز بیش از یک رنگ‌واژه به کار رفته است. در رابطه با ضرب‌المثل‌های انگلیسی نیز می‌توان با در نظر گرفتن این مورد که در برخی ضرب‌المثل‌ها بیش از یک رنگ‌واژه وجود دارد، به این نتیجه رسید که مجموعاً ۱۴۲ مرتبه رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های انگلیسی به کار رفته‌اند. همان‌گونه که در بخش داده‌های زبان فارسی اشاره شد، با توجه به اینکه در پژوهش حاضر میزان کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌ها ملاک اصلی محسوب می‌شود، آمار مورد استناد در این بخش همان ۱۴۲ ضرب‌المثل خواهد بود.



نمودار ۲. تعداد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های زبان انگلیسی

سومین نکته مربوط به بسامد وقوع هر کدام از ۱۲ رنگ‌واژه مستخرج از ضرب‌المثل‌هاست. بر اساس نمودار زیر، در ۲۹ ضرب‌المثل انگلیسی از رنگ‌واژه سیاه استفاده شده است. ۲۱ ضرب‌المثل رنگ‌واژه سفید دارند و ۲۱ ضرب‌المثل دیگر نیز از رنگ‌واژه قرمز استفاده کرده‌اند. ۱۸ ضرب‌المثل رنگ‌واژه آبی و ۱۱ ضرب‌المثل دیگر نیز، رنگ‌واژه سبز دارند. علاوه بر این، در آمار مستخرج از پیکره داده‌ها، ۹ ضرب‌المثل با رنگ‌واژه قهوه‌ای و ۷ ضرب‌المثل با رنگ‌واژه طلایی مشاهده شده است. در آمار مستخرج از پیکره انگلیسی، ۶ ضرب‌المثل با رنگ‌واژه صورتی و ۶ ضرب‌المثل نیز با رنگ‌واژه نقره‌ای وجود دارد. نهایتاً ۵ ضرب‌المثل با رنگ‌واژه بنفش، ۵ مورد با رنگ‌واژه خاکستری و ۴ مورد نیز با رنگ‌واژه زرد مشاهده شده است.

حدی مشابه با یافته‌های پژوهش علیزاده صحرایی و راسخ‌مهند (۱۳۹۵) دانست. مشابه چنین حالتی در مورد رنگ‌واژه سبز نیز تا حدی زیادی دیده می‌شود. رنگ‌واژه سبز در جایگاه سوم رنگ‌واژه‌های اصلی فارسی قرار دارد، در پژوهش حاضر نیز با ۷/۳٪ حضور در ضرب‌المثل‌های فارسی، در رتبه چهارم قرار دارد.

آخرین نکته قابل ذکر در یافته‌های پژوهش حاضر در مقایسه با یافته‌های علیزاده صحرایی و راسخ‌مهند (۱۳۹۵) در مورد کاربرد رنگ‌واژه‌های طلایی، بنفش و نارنجی است. در پژوهش آن‌ها به این رنگ‌واژه‌ها اشاره‌ای نشده و در نتیجه رنگ‌واژه اصلی فارسی نیز محسوب نمی‌شوند. در پژوهش حاضر نیز بنفش و نارنجی هر کدام تنها در ۰/۵٪ از ضرب‌المثل‌های فارسی دیده شده‌اند و طلایی نیز در ۱٪ از ضرب‌المثل‌ها دیده شد. در نتیجه، با توجه به این بسامد پایین می‌توان عدم اشاره به این سه رنگ‌واژه به‌عنوان رنگ‌واژه‌های اصلی فارسی از جانب علیزاده صحرایی و راسخ‌مهند (۱۳۹۵) را توجیه‌پذیر دانست. نهایتاً، با توجه به بررسی نتایج بالا می‌توان چنین برداشت کرد که استفاده از هر شش رنگ‌واژه اصلی فارسی براساس پژوهش علیزاده صحرایی و راسخ‌مهند (۱۳۹۵) در ساختار ضرب‌المثل‌های فارسی تأییدکننده این فرضیه است که میزان نفوذ رنگ‌واژه‌ها در فرهنگ و گفتار عامیانه هر جامعه‌ای نیز می‌تواند نقش مهمی در تعیین رنگ‌واژه‌های اصلی و غیراصلی هر زبانی داشته باشد؛ اگرچه بسامد کاربرد و ترتیب رنگ‌واژه‌های اصلی فارسی با درصد فراوانی هر کدام از آن‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی تفاوت دارند.

داده‌های انگلیسی

پیکره داده‌های انگلیسی پژوهش حاضر مجموعاً از ۱۳۵ ضرب‌المثل و اصطلاح حاوی رنگ‌واژه تشکیل شده است. همچون داده‌های فارسی، پیش از ورود به تحلیل زبان‌شناختی این داده‌ها، چند نکته در رابطه با آن‌ها ارائه می‌گردد.

نخستین نکته در رابطه با بسامد رنگ‌واژه‌های مختلف در این آمار است. براساس بررسی ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات انگلیسی، مجموعاً ۱۲ رنگ‌واژه منحصر به فرد زیر استخراج شد:

سیاه، سفید، قرمز، آبی، سبز، قهوه‌ای، طلایی، صورتی، نقره‌ای، بنفش، خاکستری و زرد.

جدول ۳. درصد فراوانی رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های انگلیسی

رنگ		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
توان تکلیفی	Valid	29	20.4	20.4	20.4
	سیاه	21	14.8	14.8	35.2
	سفید	21	14.8	14.8	50.0
	قرمز	4	2.8	2.8	52.8
	زرد	11	7.7	7.7	60.6
	سبز	18	12.7	12.7	73.2
	آبی	9	6.3	6.3	79.6
	قهوه‌ای	6	4.2	4.2	83.8
	صورتی	5	3.5	3.5	87.3
	بنفش	5	3.5	3.5	90.8
	خاکستری	6	4.2	4.2	95.1
	طلایی	7	4.9	4.9	100.0

با بررسی جدول آماری (۳)، مشخص می‌شود که درصد رنگ‌واژه‌های به کاررفته در ضرب‌المثل‌های انگلیسی نیز همچون نتایج مشابه در مورد فارسی، با هم تفاوت دارند. براساس این جدول ۲۰/۴٪ از ضرب‌المثل‌ها حاوی رنگ‌واژه انگلیسی دارای رنگ‌واژه سیاه هستند، ۱۴/۸٪ رنگ‌واژه قرمز و همین میزان رنگ‌واژه سفید دارند؛ ۱۲/۷٪ از پیکره پژوهش دارای رنگ‌واژه آبی هستند. طبق آمار جدول بالا، ۷/۷٪ نیز حاوی رنگ‌واژه سبز هستند. پس از این رنگ‌واژه‌ها که به نسبت سایر رنگ‌واژه‌ها درصد آماری بالاتری دارند، رنگ‌واژه قهوه‌ای نیز در ۶/۳٪ از ضرب‌المثل‌های حاوی رنگ‌واژه دیده شده است. رنگ‌واژه طلایی ۴/۹٪ و رنگ‌واژه‌های صورتی و نقره‌ای هر کدام به میزان ۴/۲٪ از کل ضرب‌المثل‌های حاوی رنگ‌واژه را تشکیل می‌دهند. در نهایت، رنگ‌واژه‌های بنفش و خاکستری هر کدام ۴/۵٪ و رنگ‌واژه زرد ۲/۸٪ از ضرب‌المثل‌های حاوی رنگ‌واژه را به خود اختصاص داده‌اند.

همان‌گونه که اشاره شد هدف دوم پژوهش حاضر بررسی میزان کاربرد رنگ‌واژه‌های اصلی انگلیسی در ضرب‌المثل‌های این زبان است؛ به این منظور، به نتایج میلوناس و مک‌دونالد (۲۰۱۵) به‌عنوان معیار تعیین رنگ‌واژه‌های اصلی انگلیسی استناد خواهد شد. براساس پژوهش آن‌ها انگلیسی دارای ۱۳ رنگ‌واژه اصلی است:

سفید/ سیاه < قرمز < سبز / زرد < آبی < قهوه‌ای < بنفش / صورتی / نارنجی / خاکستری / یاسی / فیروزه‌ای

براساس فرضیه‌ای که در بخش داده‌های فارسی مطرح شد، میزان نفوذ رنگ‌واژه‌ها در فرهنگ و گفتار عامیانه هر جامعه‌ای، می‌تواند نقش مهمی در تعیین رنگ‌واژه‌های اصلی زبان آن جامعه داشته باشد. از این‌رو، در این بخش به مقایسه نتایج حاصل از بررسی رنگ‌واژه‌های اصلی انگلیسی با میزان

کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های این زبان می‌پردازیم. با توجه به بسامد کاربرد رنگ‌واژه‌ها، می‌توان سلسله مراتب زیر را در رابطه با رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های انگلیسی ارائه داد:

سیاه < سفید / قرمز < آبی < سبز < قهوه‌ای < طلایی < صورتی / نقره‌ای < بنفش / خاکستری / زرد

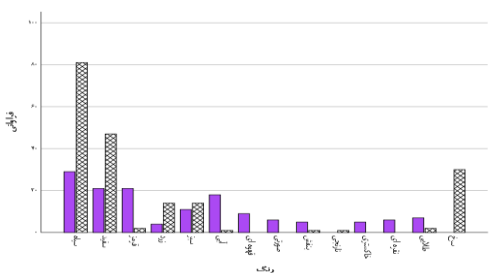
جدول (۴)، آمار رنگ‌واژه‌های اصلی انگلیسی را در مقایسه با بسامد کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های انگلیسی در پژوهش حاضر، نشان می‌دهد. بررسی مقابله‌ای یافته‌های پژوهش حاضر با ادعای میلوناس و مک‌دونالد (۲۰۱۵) تحت عنوان رنگ‌واژه‌های اصلی انگلیسی، شباهت‌هایی را نشان می‌دهد. اگر رنگ‌واژه زرد را استثنا بگیریم، ۵ جایگاه نخست هر دو پژوهش، نتایج نسبتاً مشابهی را نشان می‌دهند. پژوهش میلوناس و مک‌دونالد (۲۰۱۵) نشان داده است که سیاه و سفید دو رنگ‌واژه اصلی انگلیسی هستند. در پژوهش حاضر نیز مشخص شد که رنگ‌واژه سیاه با ۲۰/۴٪، پرکاربردترین رنگ‌واژه در ساختار ضرب‌المثل‌های انگلیسی محسوب می‌شود؛ رنگ‌واژه سفید نیز با ۱۴/۸٪ کاربرد در ضرب‌المثل‌های انگلیسی در جایگاه دومین رنگ‌واژه پرکاربرد در ضرب‌المثل‌های انگلیسی است. جایگاه رنگ‌واژه قرمز نیز در هر دو پژوهش شباهت دارد. در پژوهش میلوناس و مک‌دونالد (۲۰۱۵) این رنگ‌واژه پس از سیاه و سفید که به صورت مشترک به‌عنوان رنگ‌واژه‌های اصلی انگلیسی قرار دارند، به‌عنوان دومین رنگ‌واژه اصلی معرفی شده است؛ در پژوهش حاضر نیز مشخص شد که میزان کاربرد رنگ‌واژه قرمز در ضرب‌المثل‌های انگلیسی همچون رنگ‌واژه فارسی ۱۴/۸٪ است.

جدول ۴. مقایسه رنگ‌واژه‌های اصلی با بسامد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌ها

سلسله-مراتب رنگ-واژه‌ها	جایگاه ۱	جایگاه ۲	جایگاه ۳	جایگاه ۴	جایگاه ۵	جایگاه ۶	جایگاه ۷	جایگاه ۸
اصلی انگلیسی	سفید/ سیاه	قرمز	سیاه/زرد	آبی	قهوه‌ای	بنفش/صورتی/نارنجی/خاکستری/یاسی/فیروزه‌ای		
ضرب‌المثل‌های انگلیسی	سیاه	سفید/ قرمز	آبی	سبز	قهوه‌ای	طلایی	صورتی/ نقره‌ای	بنفش/خاکستری/ زرد

دو رنگ‌واژه سبز و آبی نیز شرایط نسبتاً مشابهی در هر دو پژوهش دارند. در پژوهش میلوناس و مک‌دونالد (۲۰۱۵) سبز در جایگاه سومین (به صورت مشترک با زرد) و آبی در

در ضرب‌المثل‌های دو زبان، با استناد به جهانی‌های مورد نظر برلین و کی درباره رنگ‌واژه‌ها (۱۹۶۹) می‌پردازیم. براساس آماری که از بررسی پیکره پژوهش حاضر به دست آمده است، در ضرب‌المثل‌های فارسی ۱۰ رنگ‌واژه و در ضرب‌المثل‌های انگلیسی ۱۲ رنگ‌واژه منحصر به فرد مشاهده شده است. میزان کاربرد این رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های دو زبان به صورت مقابله‌ای نیز در قالب نمودار (۳) ارائه شده است.



نمودار ۳. کاربرد مقابله‌ای رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی

جدول ۵. مقایسه رنگ‌واژه‌های جهانی با بسامد ضرب‌المثل‌های فارسی

سلسله‌مراتب رنگ‌واژه‌ها:	جایگاه ۱	جایگاه ۲	جایگاه ۳	جایگاه ۴	جایگاه ۵	جایگاه ۶
برلین و کی (۱۹۶۹)	سفید/ سیاه	قرمز/ زرد	سبز/ زرد	آبی	قهوه‌ای	بنفش/ صورتی/ نارنجی/ خاکستری
ضرب‌المثل‌های فارسی	سیاه	سفید	سرخ	سبز/ زرد	قرمز/ طلایی	آبی/ بنفش/ نارنجی

بررسی مقابله‌ای داده‌های فارسی پژوهش با رنگ‌واژه‌های جهانی برلین و کی (۱۹۶۹) نشان می‌دهد که می‌توان به چهار جمع‌بندی در این زمینه رسید. نخستین جمع‌بندی نشان می‌دهد که از ۱۱ رنگ‌واژه جهانی برلین و کی (۱۹۶۹)، ۸ رنگ‌واژه که در سمت راست این سلسله‌مراتب قرار می‌گیرند و در نتیجه به نوعی رنگ‌واژه‌های اصلی‌تر هستند در ساختار ضرب‌المثل‌های فارسی به کار رفته‌اند. این در حالی است که ۳ رنگ‌واژه قهوه‌ای، صورتی و خاکستری که در سمت چپ سلسله‌مراتب جهانی برلین و کی (۱۹۶۹) هستند، در ساختار ضرب‌المثل‌های فارسی به کار گرفته نشده‌اند. جمع‌بندی دوم ناظر بر این حقیقت است که میزان کاربرد و جایگاه رنگ‌واژه‌های سیاه، سفید، سبز و زرد در ضرب‌المثل‌های فارسی انطباق کاملی با سلسله‌مراتب رنگ‌واژه‌های اصلی جهانی برلین و کی (۱۹۶۹) دارند. برلین و کی (۱۹۶۹) بیان می‌کنند که دو رنگ‌واژه سیاه و سفید

جایگاه چهارمین رنگ‌واژه اصلی زبان انگلیسی قرار دارند. نتایج پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که رنگ‌واژه آبی در جایگاه سومین و رنگ‌واژه سبز در جایگاه چهارمین رنگ‌واژه پرکاربرد در ضرب‌المثل‌های زبان انگلیسی محسوب می‌شوند. قهوه‌ای که پنجمین رنگ‌واژه اصلی انگلیسی محسوب می‌شود، در جایگاه پنجم رنگ‌واژه‌های پرکاربرد در ضرب‌المثل‌های این زبان نیز قرار دارد. رنگ‌واژه‌های صورتی، خاکستری و بنفش نیز شباهت نتایج دو پژوهش را نشان می‌دهند. این سه رنگ‌واژه که با جایگاه یکسانی در منتهی‌الیه سلسله‌مراتب رنگ‌واژه‌های اصلی زبان انگلیسی (میلوناس و مک‌دونالد، ۲۰۱۵) قرار دارند، در ساختار ضرب‌المثل‌های انگلیسی نیز با درصد کمتری از ۷ رنگ‌واژه دیگر دیده شده‌اند. آخرین نکته قابل ذکر در یافته‌های پژوهش حاضر در مقایسه با یافته‌های میلوناس و مک‌دونالد (۲۰۱۵) در مورد کاربرد رنگ‌واژه‌های یاسی، فیروزه‌ای و نارنجی است. در پژوهش آن‌ها این سه رنگ‌واژه نیز به‌عنوان رنگ‌واژه‌های اصلی زبان انگلیسی معرفی شده‌اند؛ درحالی‌که براساس بررسی نگارندگان، از این سه رنگ‌واژه در ساختار ضرب‌المثل‌های انگلیسی استفاده نشده است. از طرف دیگر، رنگ‌واژه‌های نقره‌ای (۴/۲٪) و طلایی (۴/۹٪) هر چند با درصد پایینی در ساختار ضرب‌المثل‌های زبان انگلیسی دیده شده‌اند؛ این در حالی است که میلوناس و مک‌دونالد (۲۰۱۵) این دو رنگ‌واژه را به‌عنوان رنگ‌واژه‌های اصلی زبان انگلیسی براساس نظریه برلین و کی (۱۹۶۹) در نظر نمی‌گیرند.

در نهایت باید گفت اگرچه هر ۱۳ رنگ‌واژه اصلی انگلیسی در ساختار ضرب‌المثل‌های این زبان به کار گرفته نشده‌اند، اما شباهت در کاربرد ۱۰ رنگ‌واژه اصلی انگلیسی با ترتیب بسامد کاربرد آن‌ها در ساختار ضرب‌المثل‌های انگلیسی، همچون داده‌های فارسی، تاییدکننده این فرضیه است که میزان نفوذ رنگ‌واژه‌ها در فرهنگ و گفتار عامیانه هر جامعه‌ای نیز می‌تواند نقش مهمی در تعیین رنگ‌واژه‌های اصلی و غیراصلی هر زبانی داشته باشد.

تیین رنگ‌واژه‌های دو زبان براساس الگوی برلین و کی (۱۹۶۹)

پس از بررسی و تحلیل میزان کاربرد رنگ‌واژه‌های اصلی و غیراصلی فارسی و انگلیسی در ضرب‌المثل‌های این دو زبان به صورت مجزا، در این بخش به بررسی کاربرد رنگ‌واژه‌ها

جدول ۶. مقایسه رنگ‌واژه‌های جهانی با بسامد ضرب‌المثل‌های

انگلیسی								
سلسله-مراتب رنگ-واژه‌ها:	جایگاه ۱	جایگاه ۲	جایگاه ۳	جایگاه ۴	جایگاه ۵	جایگاه ۶	جایگاه ۷	جایگاه ۸
برلین و کی (۱۹۶۹)	سفید/سیاه	قرمز	سبز/زرد	آبی	قهوه‌ای	بنفش/صورتی/ نارنجی/خاکستری		
ضرب‌المثل‌های انگلیسی	سیاه	بنفید/قرمز	آبی	سبز	قهوه‌ای	طلایی	صورتی/نقره‌ای	بنفش/خاکستری/زرد

بررسی مقابله‌ای داده‌های انگلیسی با رنگ‌واژه‌های جهانی برلین و کی (۱۹۶۹) نیز نشان می‌دهد که می‌توان به چهار جمع‌بندی در این زمینه رسید. نخستین جمع‌بندی نشان می‌دهد که از ۱۱ رنگ‌واژه جهانی، ۱۰ رنگ‌واژه که در سمت راست این سلسله‌مراتب قرار می‌گیرند در ساختار ضرب‌المثل‌های فارسی به کار رفته‌اند. این در حالی است که رنگ‌واژه نارنجی که در سمت چپ سلسله‌مراتب جهانی قرار دارد، در ساختار ضرب‌المثل‌های انگلیسی مشاهده نشده است. جمع‌بندی دوم ناظر بر این حقیقت است که میزان کاربرد و جایگاه رنگ‌واژه‌های سیاه، سفید، قرمز، سبز، قهوه‌ای، بنفش، صورتی و خاکستری در ضرب‌المثل‌های انگلیسی انطباق کاملی با سلسله‌مراتب رنگ‌واژه‌های اصلی جهانی دارد. برلین و کی (۱۹۶۹) بیان می‌کنند که دو رنگ‌واژه سیاه و سفید به‌عنوان رنگ‌واژه‌های اصلی جهانی در راس سلسله‌مراتب جهانی رنگ‌واژه‌ها قرار دارند. در پژوهش حاضر نیز مشخص شد که رنگ‌واژه سیاه با ۲۰/۴٪ و رنگ‌واژه سفید با ۱۴/۸٪ به ترتیب اولین و دومین رنگ‌واژه پربسامد در ساختار ضرب‌المثل‌های انگلیسی محسوب می‌شوند. برلین و کی (۱۹۶۹) رنگ‌واژه قرمز را در جایگاه دوم رنگ‌واژه‌های اصلی جهانی معرفی می‌کنند؛ بررسی آماری داده‌های پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که در ساختار ضرب‌المثل‌های انگلیسی رنگ‌واژه قرمز با ۱۴/۸٪ در کنار رنگ‌واژه سفید در جایگاه بالایی قرار دارد. رنگ‌واژه‌های سبز و زرد به نسبت مساوی با هم در جایگاه سوم رنگ‌واژه‌های اصلی جهانی قرار دارند؛ بررسی آماری ضرب‌المثل‌های انگلیسی در این رابطه نشان از همخوانی داده‌های مربوط با رنگ‌واژه سبز دارد؛ این رنگ‌واژه با درصد کاربرد ۷/۷٪ در جایگاه چهارم سلسله‌مراتب کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های انگلیسی قرار دارد. رنگ‌واژه قهوه‌ای که در جایگاه پنجم رنگ‌واژه‌های جهانی قرار دارد،

به‌عنوان رنگ‌واژه‌های اصلی جهانی در راس سلسله‌مراتب جهانی رنگ‌واژه‌ها قرار دارند. در پژوهش حاضر نیز مشخص شد که رنگ‌واژه سیاه با ۴۲٪ و رنگ‌واژه سفید با ۲۴/۴٪ به ترتیب اولین و دومین رنگ‌واژه پربسامد در ساختار ضرب‌المثل‌های فارسی محسوب می‌شوند. به باور برلین و کی (۱۹۶۹) رنگ‌واژه‌های سبز و زرد به نسبت مساوی با هم در جایگاه سوم رنگ‌واژه‌های اصلی جهانی قرار دارند؛ بررسی آماری ضرب‌المثل‌های فارسی نیز نشان می‌دهد که این دو رنگ‌واژه با درصد کاربرد مساوی ۷/۳٪ در جایگاه مشابهی با نظریه جهانی برلین و کی (۱۹۶۹) قرار دارند. نکته جالب توجه در این بررسی مقابله‌ای نیز مربوط به رنگ‌واژه قرمز است. در سلسله‌مراتب جهانی برلین و کی (۱۹۶۹)، قرمز پس از سیاه و سفید که مشترکاً اصلی‌ترین رنگ‌واژه‌های جهانی‌اند، در جایگاه دوم رنگ‌واژه‌های اصلی زبان‌های دنیا قرار دارد؛ در فارسی نیز پس از رنگ‌واژه‌های سفید و سیاه، رنگ‌واژه سرخ با ۱۵/۵٪ بسامد کاربرد، در جایگاه سومین رنگ‌واژه پربسامد در ساختار ضرب‌المثل‌های این زبان محسوب می‌شود. اگر سرخ را واژه هم‌معنی با قرمز در واژگان فارسی لحاظ کنیم، در رابطه با این رنگ‌واژه نیز می‌توان از انطباق یافته‌های این بخش از پژوهش با نظریه برلین و کی (۱۹۶۹) صحبت کرد. البته ذکر این نکته ضروری است که رنگ‌واژه قرمز به‌عنوان واژه‌ای مجزا با ۱٪ بسامد کاربرد، در جایگاه ششمین رنگ‌واژه پربسامد در ساختار ضرب‌المثل‌های فارسی شناخته می‌شود. سومین جمع‌بندی از یافته‌های این پژوهش نیز حاکی از این حقیقت است که میزان کاربرد رنگ‌واژه‌های بنفش و نارنجی در ساختار ضرب‌المثل‌های فارسی با جایگاه این رنگ‌واژه‌ها در سلسله‌مراتب جهانی برلین و کی (۱۹۶۹) همخوانی نسبی دارد. رنگ‌واژه‌های بنفش و نارنجی که در جایگاه پایانی رنگ‌واژه‌های اصلی جهانی قرار دارند، در پژوهش حاضر نیز هر کدام با ۰/۵٪، پایین‌ترین بسامد را در ضرب‌المثل‌های فارسی دارند. آخرین جمع‌بندی در رابطه با بررسی کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی در رابطه با عدم همخوانی دو رنگ‌واژه آبی و طلایی است. در سلسله‌مراتب جهانی رنگ‌واژه‌های دنیا، آبی در جایگاه چهارم رنگ‌واژه‌های اصلی قرار دارد؛ این در حالی است که این رنگ‌واژه تنها در ۰/۵٪ از ضرب‌المثل‌های فارسی مشاهده شده است. رنگ‌واژه طلایی نیز در فهرست رنگ‌واژه‌های جهانی برلین و کی (۱۹۶۹) قرار ندارد، درحالی‌که در ۱٪ از ضرب‌المثل‌های فارسی مشاهده شده است.

موجود در ضرب‌المثل‌های انگلیسی دارای ۸ جایگاه است. از مجموع ۱۱ رنگ‌واژه جهانی، ۸ رنگ‌واژه در ضرب‌المثل‌های فارسی به کار رفته‌اند، درحالی‌که ۱۰ رنگ‌واژه جهانی در ساختار ضرب‌المثل‌های انگلیسی مشاهده شدند. ضرب‌المثل‌های فارسی حاوی یک رنگ‌واژه هستند که در سلسله‌مراتب برلین و کی (۱۹۶۹) وجود ندارد^۱ (طلایی)؛ در مقابل، ضرب‌المثل‌هایی در انگلیسی مشاهده شد که از دو رنگ‌واژه طلایی و نقره‌ای استفاده کرده‌اند، درحالی‌که این دو رنگ‌واژه از نظر برلین و کی (۱۹۶۹) جزو رنگ‌واژه‌های اصلی جهانی محسوب نمی‌شوند. نهایتاً، از جنبه مقایسه ترتیب سلسله‌مراتب جهانی با میزان بسامد کاربرد رنگ‌واژه‌ها در این دو زبان نیز به نظر می‌رسد که ترتیب رنگ‌واژه‌های موجود در ضرب‌المثل‌های انگلیسی و فارسی نیز به طور نسبتاً مشابه‌ای با سلسله‌مراتب جهانی برلین و کی (۱۹۶۹) همخوانی دارند و در نتیجه رفتار ضرب‌المثل‌های دو زبان در این مقوله نسبتاً مشابه است. اگر رنگ‌واژه‌های سرخ و قرمز را با هم یکی دانسته و همچنین رنگ‌واژه طلایی را که در سلسله‌مراتب جهانی وجود ندارد، در نظر بگیریم؛ آن‌گاه ترتیب سلسله‌مراتب رنگ‌واژه‌های ضرب‌المثل‌های فارسی و سلسله‌مراتب جهانی رنگ‌واژه‌ها شباهت نسبتاً زیادی با هم پیدا می‌کنند. از طرف دیگر، اگر دو رنگ‌واژه طلایی و نقره‌ای که در سلسله‌مراتب جهانی وجود ندارند را نادیده بگیریم، سلسله‌مراتب کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های انگلیسی نیز به جز جایگاه رنگ‌واژه زرد (و آبی) مطابق با ترتیب رنگ‌واژه‌های اصلی جهانی است.

جدول ۷. بررسی مقابله‌ای رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی

	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
برلین و کی (۱۹۶۹)			بنفش صورتی	قهوه‌ای	آبی	سبز زرد	قرمز	سبزه سفید
فارسی			بنفش صورتی	بنفش صورتی	سبز زرد	سرخ	سبزه سفید	سبزه سفید
انگلیسی		بنفش صورتی	طلایی	قهوه‌ای	سبز	آبی	سبزه سفید	سبزه سفید

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر در سه بخش مجزا برای فارسی، انگلیسی و بین‌زبانی قابل ارائه است. پیش از ارائه نتایج

در پژوهش حاضر نیز با حضور در ساختار ۶/۳٪ از ضرب‌المثل‌های انگلیسی در جایگاه پنجم قرار دارد. علاوه بر موارد فوق، شباهتی نسبی در رنگ‌واژه‌های انتهایی دو سلسله‌مراتب فوق قابل مشاهده است. سه رنگ‌واژه بنفش، صورتی و خاکستری که از لحاظ میزان اصلی بودن در جایگاه ششم سلسله‌مراتب جهانی برلین و کی (۱۹۶۹) قرار دارند، در ساختار ضرب‌المثل‌های انگلیسی نیز در انتهای سلسله‌مراتب قرار دارند؛ صورتی با حضور در ۴/۲٪ از ضرب‌المثل‌ها در جایگاه هفتم و بنفش و خاکستری هر کدام با ۳/۵٪ در جایگاه هشتم این سلسله‌مراتب قرار دارند. سومین جمع‌بندی از یافته‌های این پژوهش نیز حاکی از این حقیقت است که میزان کاربرد رنگ‌واژه آبی در ساختار ضرب‌المثل‌های انگلیسی نیز با جایگاه این رنگ‌واژه در سلسله‌مراتب جهانی برلین و کی (۱۹۶۹) همخوانی نسبی دارد. در سلسله‌مراتب جهانی رنگ‌واژه‌های دنیا، آبی در جایگاه چهارم رنگ‌واژه‌های اصلی قرار دارد؛ این رنگ‌واژه با حضور در ۱۲/۷٪ از ضرب‌المثل‌های انگلیسی در جایگاه سوم سلسله‌مراتب کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های این زبان قرار دارد. این در حالی است که جایگاه رنگ‌واژه زرد، همخوانی چندانی با سلسله‌مراتب جهانی برلین و کی (۱۹۶۹) ندارد؛ در حالی که زرد از نظر برلین و کی، به همراه سبز در جایگاه سوم رنگ‌واژه‌های اصلی جهانی قرار دارد، در پژوهش حاضر با حضور در تنها ۲/۸٪ از ضرب‌المثل‌های انگلیسی در آخرین جایگاه سلسله‌مراتب کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های انگلیسی قرار دارد. آخرین جمع‌بندی در رابطه با بررسی کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های انگلیسی نیز در رابطه با دو رنگ‌واژه طلایی و نقره‌ای است. در حالی که این دو رنگ‌واژه در فهرست رنگ‌واژه‌های جهانی برلین و کی (۱۹۶۹) قرار ندارند، به ترتیب در ۴/۹٪ و ۴/۲٪ از ضرب‌المثل‌های انگلیسی مشاهده شده است.

مقایسه بین‌زبانی میزان کاربرد رنگ‌واژه در ضرب‌المثل‌ها

در آخرین بخش این پژوهش تحلیل مقابله‌ای مختصری از میزان کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی برپایه نظریه رده‌شناختی برلین و کی (۱۹۶۹) ارائه می‌دهیم. همان‌گونه که جدول (۷) نشان می‌دهد، فارسی از لحاظ تعداد جایگاه همچون سلسله‌مراتب برلین و کی (۱۹۶۹) دارای ۶ جایگاه است اما سلسله‌مراتب رنگ‌واژه‌های

۱. در تحلیل داده‌های این بخش و با توجه به هدف پژوهش، تمایزی میان دو رنگ‌واژه سرخ و قرمز فارسی قائل نشدیم.

وجود دارد چراکه از مجموع این ۱۱ رنگ‌واژه تنها سه رنگ‌واژه قهوه‌ای، خاکستری و صورتی در ساختار ضرب‌المثل‌های فارسی به کار نرفته‌اند. علاوه بر این اگر دو رنگ‌واژه قرمز و سرخ را در ساختار ضرب‌المثل‌های فارسی یکی بدانیم و اختلاف جزئی رنگ‌واژه آبی را نادیده بگیریم، ترتیب بسامد کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی همخوانی بالایی با سلسله‌مراتب جهانی برلین و کی (۱۹۶۹) خواهد داشت (ن.ک جدول ۵).

نتایج در رابطه با میزان کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های انگلیسی نیز از دو منظر قابل بررسی است. نخست اینکه، اگر پژوهش میلوناس و مک‌دونالد (۲۰۱۵) را مبنای ۱۳ رنگ‌واژه اصلی انگلیسی بدانیم، نتایج حاصل از پژوهش حاضر تا حد زیادی تاییدکننده ادعای آن‌ها در رابطه با رنگ‌واژه‌های اصلی انگلیسی نیز است چراکه ۱۰ رنگ‌واژه از ۱۳ رنگ‌واژه اصلی زبان انگلیسی شامل سیاه، سفید، قرمز، آبی، سبز، قهوه‌ای، صورتی، بنفش، خاکستری و زرد در ساختار ضرب‌المثل‌های این زبان به کار گرفته شده‌اند. با اینحال، نتایج حاصل تفاوت‌ها قابل توجه‌ای در این زمینه را نیز نمایان می‌کند. سه رنگ‌واژه اصلی؛ یعنی نارنجی، یاسی و صورتی در ساختار ضرب‌المثل‌های انگلیسی دیده نمی‌شوند و در عوض رنگ‌واژه‌های طلایی و نقره‌ای که از طرف میلوناس و مک‌دونالد (۲۰۱۵) به‌عنوان رنگ‌واژه اصلی معرفی نشده‌اند، در ضرب‌المثل‌های این زبان وجود دارند. یافته‌های پژوهش حاضر در رابطه با میزان همخوانی رنگ‌واژه‌های اصلی جهانی با بسامد کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های انگلیسی نیز نشان می‌دهد که بین ۱۱ رنگ‌واژه اصلی جهانی با ۱۲ رنگ‌واژه به کار رفته در ضرب‌المثل‌های انگلیسی ارتباط وجود دارد؛ چراکه از مجموع این ۱۱ رنگ‌واژه تنها رنگ‌واژه نارنجی در ساختار ضرب‌المثل‌های انگلیسی به کار نرفته است. علاوه بر این اگر چند اختلاف جزئی را نادیده بگیریم، ترتیب بسامد کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های انگلیسی همخوانی بسیار بالایی با سلسله‌مراتب جهانی برلین و کی (۱۹۶۹) خواهد داشت (ن.ک جدول ۶).

آخرین نتیجه‌گیری پژوهش حاضر در رابطه با بررسی بین‌زبانی رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌ها است. نتایج این بخش نیز نشان می‌دهد که اگرچه از مجموع ۱۱ رنگ‌واژه جهانی، ۸ رنگ‌واژه در ضرب‌المثل‌های فارسی و ۱۰ رنگ‌واژه در ضرب‌المثل‌های انگلیسی به کار رفته‌اند، اما سلسله‌مراتب

هر بخش به صورت مجزا، نتیجه‌گیری کلی پژوهش حاضر حاکی از تایید فرضیه اصلی پژوهش است. بر مبنای مجموع نتایج سه بخش می‌توان استنباط کرد که علی‌رغم تفاوت‌های جزئی در سلسله‌مراتب رنگ‌واژه‌های اصلی جهانی (برلین و کی، ۱۹۶۹)، سلسله‌مراتب رنگ‌واژه‌های اصلی فارسی (علیزاده صحرائی و راسخ‌مهند، ۱۳۹۵) و سلسله‌مراتب رنگ‌واژه‌های اصلی انگلیسی (میلوناس و مک‌دونالد، ۲۰۱۵) با سلسله‌مراتب‌هایی که در پژوهش حاضر برای میزان کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی وجود دارد، می‌توان نوعی تشابه را هم در تعداد و هم در ترتیب آن‌ها مشاهده کرد. در نتیجه، مشخص می‌شود که رنگ‌واژه‌هایی که در پژوهش‌هایی نامبرده شده به‌عنوان رنگ‌واژه اصلی معرفی شدند، از دیرباز در فرهنگ جوامع فارسی‌زبان و انگلیسی‌زبان نیز پرکاربرد و به نوعی بی‌نشان بوده و توانسته‌اند در ساختار ضرب‌المثل‌ها به‌عنوان نمادی از هویت فرهنگی هر جامعه زبانی نیز وارد شوند.

یافته‌های پژوهش حاضر در رابطه با میزان کاربرد رنگ‌واژه‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی از دو منظر قابل بررسی است. نخست اینکه، اگر پژوهش علیزاده صحرائی و راسخ‌مهند (۱۳۹۵) را به‌عنوان مبنای رنگ‌واژه‌های اصلی فارسی در نظر بگیریم، نتایج حاصل از پژوهش حاضر تا حد زیادی تاییدکننده ادعای آن‌ها در رابطه با رنگ‌واژه‌های اصلی فارسی است چراکه هر شش رنگ‌واژه اصلی فارسی؛ یعنی آبی، قرمز، سبز، سفید، سیاه و زرد در ساختار ضرب‌المثل‌های این زبان نیز دیده شده‌اند. البته ذکر این نکته ضروری است که نتایج نشان می‌دهد که ترتیب رنگ‌واژه‌های اصلی فارسی با درصد فراوانی هر کدام از آن‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد؛ ضمن اینکه چهار رنگ‌واژه سرخ، طلایی، بنفش و نارنجی نیز علاوه بر شش رنگ‌واژه اصلی در ساختار ضرب‌المثل‌های فارسی دیده شدند؛ با این حال، این دو مورد تأثیری در نتیجه‌گیری نگارندگان در رابطه با فرضیه اصلی پژوهش نخواهند داشت. دومین نتیجه‌گیری در رابطه با میزان انطباق یافته‌های پژوهش با رنگ‌واژه‌های اصلی جهانی است. به‌عبارت‌دیگر، در این پژوهش به دنبال آن بودیم که ببینیم رنگ‌واژه‌های اصلی جهانی تا چه حد در ساختار ضرب‌المثل‌های فارسی به کار برده شده‌اند. نتایج این بخش نیز نشان می‌دهد که بین ۱۱ رنگ‌واژه اصلی جهانی با رنگ‌واژه‌های به کار رفته در ضرب‌المثل‌های فارسی شباهت

اصلی پژوهش مبنی بر کاربرد رنگ‌واژه‌های اصلی در ساختار ضرب‌المثل به‌عنوان نمود عینی کاربرد زبان از جانب گویشوران را تأیید می‌کند.

رنگ‌واژه‌های موجود در ضرب‌المثل‌های هر دو زبان به یکدیگر و همچنین به سلسله‌مراتب رنگ‌واژه‌های جهانی برلین و کی (۱۹۶۹) شبیه است. این نتیجه‌گیری نیز فرضیه

منابع

ژاله‌خاکی، لیلا (۱۳۹۳). «مقایسه کاربرد رنگ‌واژه‌ها در هفت‌پیکر نظامی گنجوی و بخش اساطیری شاهنامه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام‌نور تهران. صامت‌جوکنان، سجاد (۱۳۹۳). «استعاره‌های مفهومی عواطف در حوزه رنگ در زبان فارسی؛ تحلیلی شناختی و پیکره‌بنیاد». پازند. سال دهم. شماره ۳۷. صص ۹۷-۱۱۷.

صراحی، محمدمامین (۱۳۹۳). «رویکردی رده‌شناختی به استعاره‌های مربوط به رنگ در زبان فارسی». زبان پژوهی. دوره ۶، شماره ۱۱. صص ۹۷-۱۱۸.

علیزاده صحرايي، مجتبی و راسخ مهند، محمد. (۱۳۹۵). «رنگ‌واژه‌های اصلی در زبان فارسی». زبان پژوهی. (۱۹)۸. صص ۱۲۳-۱۴۷.

قاضی‌زاده، خلیل. نجفی، آزاده (۱۳۸۸). «تحلیل مقابله‌ای ضرب‌المثل‌های انگلیسی و فارسی از نظر معنایی و واژگانی». مطالعات ترجمه. دوره ۱. شماره ۲۸. صص ۲۸-۴۵.

کشاوری باقری، زهرا (۱۳۹۶). فرهنگ جامع ضرب‌المثل‌های فارسی، تهران: بهزاد.

گرجیان، بهمن و نیسی، هدی (۱۳۹۰). «ترجمه تطبیقی ضرب‌المثل‌های انگلیسی و فارسی از لحاظ زبان‌شناسی». نشریه مطالعات ادبیات تطبیقی. ۲ (۱۹). صص ۱-۲۲.

محقق، مهدی (۱۳۸۶). «پنجاه ضرب‌المثل مشترک در زبان‌های عربی، فارسی و انگلیسی». ادبیات تطبیقی. شماره ۲، صص ۱۲۳-۱۳۳.

منصوری، مهرزاد (۱۳۷۵). «بررسی رنگ‌واژه‌ها در زبان فارسی». مجله زبان‌شناسی. دوره ۱۳. شماره ۲. صص ۱۱۵-۱۰۵.

ابراهیمی، بهروز. عامری، حیات. ابوالحسنی چیمه، زهرا (۱۳۹۷). «استعاره‌های مفهومی عشق در آیین ضرب‌المثل‌های فارسی، انگلیسی و ترکی». فرهنگ و ادبیات عامه. دوره ۴. شماره ۲۰. صص ۲۳-۴۸.

استاجی، اعظم (۱۳۸۶). «بررسی ساختاری نام‌رنگ‌ها در زبان فارسی». مجموعه مقالات هفتمین همایش زبان‌شناسی ایران. صص ۱۲۴-۱۴۰.

افشار، ایرج (۱۳۷۸). «گونه‌های رنگ در زبان فارسی». مجله زبان‌شناسی. دوره ۱۴. شماره ۲. صص ۲-۹.

پورحسینی، سمانه (۱۳۹۳). اصطلاحات از طریق رنگ‌ها. تهران: جنگل.

حبیبیان، سیمین. آریان‌پور، منوچهر (۱۳۷۸). هزار و یک مثل فارسی و انگلیسی. تهران: نشر علم.

جراحی، امیر. امانی‌تهران، محمد. گرجی‌کندی، سعیده (۱۳۹۰). «مروری بر دسته‌بندی و نام‌گذاری رنگ‌ها». علوم و فناوری رنگ. دوره ۵. شماره ۳. صص ۱۷۵-۱۸۸.

ذوالفقاری، حسین (۱۳۹۲). فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی. تهران: علم.

زارعی، معصومه (۱۴۰۱). «هزار و ششصد رنگ‌واژه در زبان فارسی، علم زبان». دوره ۷. شماره ۴۴. صص ۲۰-۴۲.

زاهدی کیوان، ذهاب ناظوری سمیرا (۱۳۹۰). «نام‌اندام‌های حوزه سر در ضرب‌المثل‌ها و حکم فارسی و انگلیسی: تحلیل شناختی پیکره-بنیاد فرهنگی». تازه‌های علوم شناختی. ۱۳ (۴). صص ۱-۱۸.

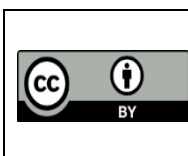
زند، بهمن. بحرینی، مسعود، سبزواری، مهدی. مهدی‌بیرقدار، راضیه (۱۳۹۷). «بررسی اجتماعی - شناختی تابو و حسن تعبیر در ساختارهای عبارات، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی». جستارهای زبانی. دوره دوم. شماره ۶. صص ۳۱۷-۳۳۴.

386.

Androulaki A., Gómez-Pestana N., Mitsakis, C., Lillo Jover J., Coventry K., & Davies I. R. L. (2006). Basic color terms in modern Greek: Twelve terms. *Journal of*

Al-Rasheed, A., Al-Mohimeed, N., & Davies. I. (2013). Berlin and Kay's theory of color universals and linguistic relativity: The case of Arabic. *Journal of Modern Education Review*. 3(5), 366-

- Greek Linguistics*, 7 (14), 3-46.
- Berlin, B., & Kay, P (1969). *Basic color Terms: their universality and evolution*. Berkeley: University of California.
- Conklin, H. C (1955). *Language in culture and society*. New York: Harper & Row.
- Davis, I. R. L., & Corbett, G. G. (1994). The basic color terms of Russian. *Linguistics*, 32, 63-89.
- Davis, I.R.L., & Corbet, G. (1997). A cross-cultural study of color grouping: Evidence for weak linguistic relativity. *British Journal of Psychology*, 88, 493-517.
- Mider, W. (2004). *Proverbs: A handbook*. westport: Green wood press.
- Moravcsik, E. A. (2013). *Introducing language typology*. Cambridge University Press.
- Mylonas, D. & MacDonald, L. (2015). Augmenting basic colour terms in English. *Color Research and Application*. 2(12), 74- 99.
- Özgen, E., & Davies, I. R. (1998). Turkish color terms: Test of Berlin and Kay's theory of color universals and linguistic relative. *Linguistics*, 36(5), 919-956.
- Pich, J., & Davies, I. (1999). Color term acquisition in Spanish-Catalan children speakers, *Children and Learning*, 85, 95-112.
- Uusküla, M. (2008). *Basic color terms in Finno-Ugric and Slavonic languages: Myths and facts*. Dissertationes Linguisticae Universitatis Tartuensis, Tartu: Tartu University Press
- Woodworth, R. S (1910). The puzzle of color vocabularies. *The Psychological Bulletin*, 7(10), 325-334.



COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licenses PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)